

شخصیت

سزق بن عبدالمطلب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شخصیت حمزه بن عبدالمطلب

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	شخصیت حمزه بن عبدالمطلب
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	حذف فرهنگی
۸	نگاهی کوتاه به دوران زندگی حضرت حمزه
۹	نگاهی از افق دیگر
۱۰	حضرت حمزه از دیدگاه قرآن
۱۱	حضرت حمزه در گفتار ائمه
۱۱	اشاره
۱۲	حضرت حمزه در گفتار و احتجاج امیرمؤمنان
۱۲	اشاره
۱۲	حضرت حمزه در احتجاج امیرمؤمنان در شورای شش نفری
۱۲	حضرت حمزه در احتجاج امیرمؤمنان در بصره
۱۳	حضرت حمزه در احتجاج امیرمؤمنان با معاویه
۱۳	حضرت حمزه در احتجاج امیرمؤمنان با دانشمند یهودی
۱۴	حضرت حمزه در احتجاج امام حسن مجتبی
۱۴	حضرت حمزه در احتجاج حسین بن علی
۱۴	حضرت حمزه در گفتار و احتجاج علی بن الحسین
۱۴	اشاره
۱۵	تعصبی که پاداش آن بهشت است
۱۵	حضرت حمزه در محاجه امام سجاد
۱۵	حضرت حمزه در کلام امام صادق

- ۱۵ حضرت حمزه در احتجاج محمد حنفیه
- ۱۶ حضرت حمزه در احتجاج شیخ مفید
- ۱۶ حضرت حمزه در حدیث رسول خدا
- ۱۶ اشاره
- ۱۶ حمزه، سید همه شهدا، جز انبیا و اوصیا است
- ۱۷ حضرت حمزه از سروران اهل بهشت است
- ۱۷ حضرت حمزه، محبوب ترین عموی رسول خدا
- ۱۷ حمزه محبوب ترین نام ها در نزد رسول خدا
- ۱۷ حمزه یکی از چهار راکب در قیامت
- ۱۷ حضرت حمزه انجام دهنده نیکی ها و بجا آورنده صله رحم
- ۱۸ حضرت حمزه شفیع در روز قیامت
- ۱۸ در پایه عرش نوشته شده است: حمزه اسدالله و...
- ۱۸ حضرت حمزه در دعای رسول خدا
- ۱۸ حضرت حمزه افضل شهدا است
- ۱۸ پاورقی
- ۲۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

شخصیت حمزه بن عبدالمطلب

مشخصات کتاب

نویسنده: مجله حوزه

ناشر: مجله حوزه

مقدمه

یکی از شخصیت‌های بزرگ در تاریخ اسلام، که در راه قرآن و دفاع از اسلام فداکاری و ایثار را به حد اعلی رسانید و در شرایطی که توحید در مقابل شرک و خداپرستی در مقابل بت پرستی قرار گرفته بود و پیامبر اسلام به یاران صدیق و حامیان مخلص و دلسوز نیازمند بود، به یاری اش شتافت، جناب حمزه بن عبدالمطلب بود که مانند امیرمؤمنان، علی (علیه السلام) در مقابل پرچم شرک، لوای توحید را برافراشت و تعهد و ایمان خویش را در صحنه‌های جنگ متجلی ساخت. او در سخت‌ترین و خطرناک‌ترین وضعیت جنگ، که حتی بعضی از یاران نزدیک پیامبر معرکه را ترک کرده، به قلعه کوه‌ها و شیار دره‌ها پناه می‌بردند، دلیرانه مقاومت نمود، نه با یک دست که با دو شمشیر و با هر دو دست از رسول خدا دفاع کرد و با سپر قرار دادن وجود خویش، حملات پیاپی دشمن را که متوجه جان آن حضرت بود، درهم شکست تا اینکه با فجیع‌ترین وضع به مقام ارجمند شهادت نایل شد و در تاریخ به عنوان یکی از بزرگترین سرداران و مجاهدی مقاوم از مجاهدان شجاع و با اخلاص و از مدافعان و شهدای نامی اسلام و به صورت عالیترین الگو و سرمشق متجلی گردید. حمزه در قرآن مجید و در احادیث و روایات، مورد تقدیر و تجلیل فراوان قرار گرفته و مدال پرافتخار «سید الشهداء» از سوی رسول خدا نصیب او گردید و لقب زیبای «اسدالله» و «اسدالرسول» بر او داده شد. و ائمه هدی (علیهم السلام) با شخصیت و فداکاری او، در مقابل مخالفان مناظره و احتجاج و در میان پیروانشان مباحثات و افتخار نموده‌اند و در اثر ترغیب و تشویق رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر زیارت قبر حضرت حمزه، قبر و حرم آن بزرگوار در طول تاریخ مورد توجه مسلمانان قرار گرفت و زیارت او را مانند زیارت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر خود لازم دانستند و در ساختن حرم و گنبد و بارگاه بر روی قبر او، مانند حرم پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) به همدیگر سبقت می‌جستند و از این رو قبر شریف آن بزرگوار دارای مجموعه‌ای از حرم و رواق و گنبد و بارگاه بود که قدمت و پیشینه آن، به قرن‌های اول اسلام می‌رسید ولی نزدیک به یکصد سال قبل، این حرم شریف مانند سایر بقاع و حرم‌ها در مدینه و مکه، به وسیله وهابیان تخریب گردید و اینک از این بقعه پاک، بجز یک قبر خاکی و ساده چیزی باقی نیست.

حذف فرهنگی

شخصیت بارز حضرت حمزه سیدالشهداء، مجاهدت و فداکاری و حضور حماسی او در صحنه‌های جنگ، حمایت و دفاع وی از مقام شامخ نبوت در سال‌های اول بعثت و پس از هجرت و شهادت مظلومانه و شجاعانه اش ایجاب می‌کرد که یاد او و ذکر فضایل و معرفی شخصیت او، به صورت بزرگترین و زیباترین الگو و سرمشق در منابع اسلامی منعکس و در رأس بیان فضایل سایر شخصیت‌های اسلامی؛ از اقوام و عشیره و صحابه رسول خدا قرار گیرد. لیکن مراجعه به منابع حدیثی و مجموعه‌های اولیه اهل سنت نشانگر این است که متأسفانه همان سعی و تلاش که از سوی خلفای اموی در کم رنگ کردن شخصیت امیرمؤمنان (علیه السلام) و تحقیر ابوطالب و عقیل بکار گرفته شده به علل و انگیزه‌های خاصی، درباره حضرت حمزه عمیق‌تر و در حذف شخصیت

او قوی تر گردیده است. به طوری که در بخش آخر این بحث ملاحظه خواهید کرد، پس از گذشت چهل سال از جنگ اُحد و در دوران خلافت معاویه و طبق دستور وی، تصمیم گرفته شد به بهانه حفر قنات در احد قبر حضرت حمزه را نبش و پیکر او را به نقطه دیگر منتقل نمایند و یاد و اثر او را به تدریج به فراموشی بسپارند ولی چون این تصمیم با شکست مواجه گردید، راه دیگری را برگزیدند؛ یعنی مصمم به حذف فرهنگی آن بزرگوار از طریق به فراموشی سپردن فضایل او شدند و بدینوسیله هدف خویش را تأمین نمودند و بدینگونه، شخصیت آن بزرگوار در هاله‌ای از ابهام و در پشت ابرهای تاریخ و حدیث قرار گرفت. این حرکت را در منابع دست اول و در مجموعه‌های حدیثی که محصول همان سیاست‌ها است و در عین حال صحیح‌ترین منابع تلقی می‌شود، می‌توان به وضوح مشاهده کرد و با مراجعه به صحاح و مسانید به این حقیقت تلخ پی برد: برای نمونه دو کتاب مهم حدیثی «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» را، که در رأس همه منابع حدیثی قرار گرفته‌اند، مطرح می‌کنیم: بخشی از این دو کتاب را «کتاب الفضائل» و نقل مناقب اقوام و عشیره و اصحاب و یاران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به خود اختصاص داده و برای ذکر فضایل تک تک آنان باب مستقلی عنوان گردیده است: در باب فضایل اقوام پیامبر (صلی الله علیه و آله) فضایل «عباس بن عبدالطلب»، «جعفر بن ابی طالب»، «عبدالله بن جعفر» و فضایل «زبیر» پسر عمه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و «ابوالعاص» داماد آن حضرت که در جنگ بدر به اسارت مسلمانان درآمد و پس از آزادی اسلام را (شاید هم برای دست یابی به همسرش زینب) پذیرفت، آمده است و باز در این بخش فضایل «سعد بن ابی وقاص» به عنوان اینکه او از قبیله «آمنه» مادر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و از احوال و دایی‌های «قبیله‌ای» پیامبر محسوب است، ذکر گردیده ولی از حضرت «حمزه» محبوب‌ترین عموی رسول الله اسمی به میان نیامده است! و در بخش فضایل اصحاب برای بیان فضایل «عبدالله بن سلام»، «عبدالله بن عمر»، «ابوهریره»، «ابوموسی اشعری» و بالأخره برای بیان فضایل «ابوسفیان» و «معاویه» باب مستقلی عنوان گردیده ولی از بزرگترین صحابه پیامبر، مهاجر الی الله و مجاهد فی سبیل الله «حمزه سید الشهداء» یاد نشده است، گویی پیامبر اسلام نه عمومی به نام «حمزه» داشته و نه صحابه‌ای به نام «ابو عماره»! و سایر صحاح و سنن نیز از این رویه پیروی کرده و در این مسیر حرکت نموده‌اند و هلمّ جرّاً! او بدینگونه با یکی دیگر از مظلومان تاریخ و حدیث آشنا می‌شویم که نه تنها شخصیت او در حد شخصیت دشمنان درجه یک اسلام، سردمداران کفر والحاد و سلسله جنبانات بدر و اُحد معرفی نگردیده، بلکه برای موهون و مشوّه ساختن او، مطالب ناروا و نابجایی، که دون شأن و مقام آن بزرگوار است، به ساحت مقدّسش نسبت داده شده که متأسفانه گهگاهی به تألیفات خودی‌ها نیز راه یافته است. این نوع بینش و حق‌کشی برای ما، هم تکلیف‌آور است و هم مشکل‌زا! تکلیف‌آور از آن جهت که این عملکرد ما را موظف می‌سازد برای دفاع از مظلومی بی‌خیزیم و در کنار زدن پرده‌های تعصب و زدودن غبارهای ضخیم، که قرن‌ها بر آن گذشته است، تلاش کنیم و آن چهره تابناک و مظلوم را از پشت ابرهای تیره و تاریک به جامعه اسلامی مان بنمایانیم. و اما مشکل‌زا است؛ زیرا که این حرکت موجب شده است که حقایق فراوانی در معرفی شخصیت آن حضرت از دسترس خارج و در لابلای حوادث تاریخی دفن شود و طبعاً در بدست آوردن بقایای ناچیز هم با مشکل مواجه گردیم و در نیل به مطلبی به جای مراجعه به مظان و جایگاه خود، به منابع دیگر و فصول مختلف مراجعه کنیم. ولی در عین حال می‌توان با مراجعه به متون تفسیری و حدیثی و تاریخی، به مطالب ارزشمند و بجای مانده درباره آن حضرت دست یافت که خوانندگان ارجمند را با بخشی از فضایل آن بزرگوار آشنا و راه را برای کسانی که فرصت پیگیری و تحقیق بیشتری در این زمینه دارند هموار می‌سازد. با این مقدمه لازم است در این مختصر چهار موضوع به ترتیب زیر بحث و بررسی شود: ۱- حضرت حمزه از دیدگاه قرآن ۲- حضرت حمزه در کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه هدی (علیهم السلام) ۳- حضرت حمزه در جنگ‌ها ۴- حرم حضرت حمزه در بستر تاریخ

حمزه بن عبدالمطلب ملقب به «سیدالشهدا»، «اسدالله» و «اسدالرسول» کنیه او ابوعمار و ابوعلی است. مادرش هاله دختر «وهیب» و دختر عموی «آمنه» بنت وهب، مادر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است. حضرت حمزه عموی پیامبر اسلام و برادر رضاعی او است؛ زیرا هر دو از پستان مادری بنام ثویبه شیر خورده اند. حضرت حمزه، بنابر نظر مشهور دو سال از رسول خدا بزرگتر بود و بنا به گفته مشهور مورخان، او در سال دوم بعثت، اسلام را پذیرفته است. بنا به نقل ابن اثیر و گروهی از مورخان، چون حمزه سیدالشهدا ایمان خویش را اظهار کرد، سردمداران قریش فهمیدند که پیامبر از این پس نیرومند شده و اسلام دارای مدافع قوی گردیده است و با گرویدن وی به اسلام، از طرح‌ها و نقشه‌های زیادی که بر علیه اسلام و مسلمین ترسیم کرده بودند منصرف شدند. حضرت حمزه همزمان با هجرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به مدینه، هجرت نمود و در صف مهاجرین اولین قرار گرفت. او اولین فرمانده و پرچمدار اسلام است که از سوی رسول خدا در رأس گروهی از مسلمانان برای پاسخ گویی به حمله مشرکان، به محلی بنام «سیف البحر» اعزام گردید. در جنگ‌های متعدد دیگر مانند بدر و احد شرکت نمود و در بدر امتحان سختی را از سر گذراند و از سران قریش چند نفر، از جمله شیبۀ بن ربیع و طعیمۀ بن عدی را به دست خود هلاک ساخت و در قتل یکی دیگر از مشرکان نامی؛ یعنی «عتبۀ بن ربیع» با امیرمؤمنان (علیه السلام) شرکت جست. شجاعت حضرت حمزه در جنگ‌ها زبانزد خاص و عام و مورد تأیید دوست و دشمن است و لذا در جنگ بدر و أُحُد وی با هر دو دست و با دو شمشیر می‌جنگید. حضرت حمزه در میدان جنگ با نصب کردن «پر شتر مرغی» به سینه اش از دیگر فرماندهان و جنگجویان مشخص و برجسته بود و به همین جهت در جنگ بدر یکی از سران دشمن پس از آنکه به اسارت مسلمانان در آمد و چشمش به حمزه افتاد، پرسید: این کیست؟ گفتند: حمزه بن عبدالمطلب. وی با تعجب گفت «ذَلِكْ فَعَلَ بِنا الْأَفَاعِلِ» او بود که صفوف ما را تار و مار کرد و ما را به روز سیاه نشاناند! حضرت حمزه در سال سوم هجرت در جنگ احد پس از کشتن سی و یک تن از سران دشمن به مقام ارجمند شهادت نایل گردید.

نگاهی از افق دیگر

خداوند متعال مجد و شرف نسب، توأم با عزت ایمان و دفاع از حریم اسلام را برای حمزه سیدالشهدا برگزیده است؛ زیرا او فرزند بزرگترین شخصیت جزیره العرب و رئیس مکه و قریش؛ یعنی عبدالمطلب [۱] بن هاشم بن عبد مناف بن قصی است و نسب حمزه نسب خاتم پیامبران است. حمزه سیدالشهدا هم شریف است هم شرافت و کرامت را از پدر و اجداد خویش به ارث برده است. مادر حمزه، دختر عموی «آمنه» مادر رسول خدا است و او از طرف مادر نیز دارای نسبی است والا و شریف که پیامبر خاتم نشأت گرفته از نسب والا و خاندان اصیل است. شرافتی دیگر: او هم عموی رسول الله (صلی الله علیه وآله) است هم برادر رضاعی او و پیامبر در میان او و زید بن حارثه [۲] پیمان اخوت بست. و حمزه سیدالشهدا از جهات متعدد بر دیگران تفوق یافت و صفات عالیه و اخلاق حسنه را از آن شجره اصیل و خاندان شریف به ارث برد. و از جهت ایمان، او جزو سابقین در اسلام است و آنگاه به رسول خدا ایمان آورده است که فقط یکسال و اندی از بعثت آن حضرت می‌گذشت و تعداد مسلمانان از سی و نه مرد و بیست و سه زن تجاوز نمی‌کرد و آن روز اسلام دارای هیچ نفع مادی و دنیوی نبود. هر چه در باره اسلام پیش بینی می‌شد فشار و شکنجه بود و تحمل استهزا و آزار مشرکان، ولی برای حمزه در مقابل این آزارها و شکنجه‌ها جز برای حق و دفاع از حریم اسلام نمی‌اندیشید. (...يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا...). [۳]. و قبل از اسلام: حمزه از دوران کودکی برای پیامبر اسلام علاوه بر قرابت نزدیک و اینکه رسول خدا فرزند برادر حمزه بود، با آن حضرت صمیمی و رفیق شفیق و برادری دلسوز و مهربان به شمار می‌آمد؛ زیرا پیامبر خدا متولد گردید، عبدالمطلب بانویی به نام «ثویبه» را احضار کرد و بدو دستور داد همانگونه که به حمزه شیر داده است به محمّد نیز شیر دهد و بدینگونه آن دو، با هم برادر رضاعی شدند. حمزه و محمّد دوران طفولیت را در خانه شیبۀ الحمد، عبدالمطلب سپری کردند و در میان این دو طفل الفت و صمیمیت عمیق حاکم گردید و محمّد (صلی الله علیه وآله) در این دوران و دوران‌های

بعد به حمزه، نه تنها به عنوان عمو و عضوی از اعضای خانواده عبدالمطلب، بلکه به عنوان برادری که از یک پدر و مادر متولد شده اند می‌نگریست؛ زیرا پیامبر که در دوران جنینی پدر را از دست داده بود و همانند حمزه تحت کفالت و قیمومیت عبدالمطلب قرار گرفت و از این پس محمّد و حمزه در زیر یک سقف و در کنار یک سفره و به صورت دو عضو و دو برادر در یک خانواده زندگی را ادامه دادند، اخوت رضاعی، قرابت ذاتی، هم سن بودن، در کنار هم زیستن و از عواطف عبدالمطلب یکسان برخوردار بودن و... عواملی بود که علاقه و الفت آنها را نسبت به هم، روز به روز عمیق تر و صمیمیت متقابل در میان آنها را برای همیشه پی ریزی کرد. در ازدواج رسول خدا: پیامبر (صلی الله علیه و آله) وقتی قدم به بیست و پنج سالگی گذاشت، تصمیم گرفت با «خدیجه بنت خویلد» آن بانوی عاقله ازدواج کند، اینجا است که حمزه به همراه برادرش ابوطالب [۴] به سوی خانه «خویلد» حرکت می‌کند و در این وصلت مبارک و ازدواج تاریخی جهان بشریت، نقش خواستگاری را به عهده می‌گیرد و در ایجاد شجره طیبه ای که حاصل ازدواج رسول خدا با خدیجه است، قدم های اولیه را برمی‌دارد. این بود دورنمایی از بخشی ارتباط که در میان حمزه و رسول خدا بود و در قسم سوم این بحث، با بخش دیگری از ارتباط و علاقه در میان آنان آشنا خواهیم شد.

حضرت حمزه از دیدگاه قرآن

در قرآن مجید چون به آیاتی مانند آیه شریفه (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَيَّجُوا وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ) [۵] می‌رسیم، حمزه بن عبدالمطلب را در رأس این مؤمنان حقیقی مشاهده می‌کنیم: ایمان آوردن در وضعیت سخت، یاری کردن و پناه دادن به رسول خدا در مقابل دشمنان، آنگاه که همه مشرکان و دشمنان بر علیه او بسیج شده بودند. و باز چون به آیه شریفه (لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا...) [۶] می‌رسیم حضرت حمزه را در اول این صف از مؤمنان می‌بینیم که قبل از فتح، جان خویش را در طبق اخلاص گذاشت و با دشمنان به قتال و جهاد پرداخت و به خیل اولین شهدای اسلام پیوست؛ قتال و شهادتی که با مثله و قطعه قطعه شدن اعضای بدنش توأم گشت و علف های بیابان بر پیکر خونینش کفن گردید. و آیات متعدد دیگری که سیدالشهدا، حمزه (علیه السلام) مصداق روشن و نمودار بارزی از این آیات است. ولی در قرآن مجید آیات متعدد دیگری وجود دارد که طبق نظر مفسران و محدثان و بر اساس مضمون روایات از ائمه هدی (علیهم السلام) بخصوص درباره حضرت حمزه سیدالشهدا نازل شده و خداوند سبحان در این سند آسمانی و از طریق وحی بر ایمان و پایداری او در دفاع از اسلام مهر تأیید زده و استقبال او از شهادت در راه خدا را ستوده است که در این زمینه به نقل شش آیه بسنده می‌کنیم: ۱- (هَذَا نِ حَضَمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ) [۷]. «اینان دو گروهند که در باره پروردگارشان به محاصمه و جدال پرداختند، کسانی که کافر شدند، لباس هایی از آتش برای آنها بریده شده و مایع سوزان و جوشان بر سرشان ریخته می‌شود.» در صحیح بخاری [۸] و صحیح مسلم [۹] و سنن ترمذی [۱۰] و ابن ماجه [۱۱] و منابع دیگر از اهل سنت و شیعه [۱۲] آمده که حضرت ابوذر (رحمه الله) فرموده است: این آیه در باره دو گروه؛ گروهی حامی و مدافع سرسخت اسلام و گروه دیگر دشمن کینه توز و سرسخت اسلام نازل گردیده است. گروه اول امیرمؤمنان و حمزه و عبیده [۱۳] و گروه دوم ولید، عتبه و شیبه از سران قریش می‌باشند که در جنگ بدر مقابل هم قرار گرفتند. در تفسیر فرات کوفی نزول آیه شریفه را از طریق سدی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل و اضافه می‌کند که رسول خدا پس از نزول این آیه فرموده است: «هُوَ لَاءِ الثَّلَاثَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَوَاسِطَةُ الْقِلَادَةِ فِي الْمُؤْمِنِينَ وَ هُوَ لَاءِ الثَّلَاثَةِ كَوَاسِطَةُ الْقِلَادَةِ فِي الْكُفَّارِ.» [۱۴]. «در روز قیامت این سه تن در میان مؤمنان همانند مهره درشت گردن بند خواهند درخشید، همانگونه که این سه تن دیگر در میان کفار و مشرکین مانند مهره درشت گردن بند خواهند بود.» ۲- (مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا). [۱۵]. «در میان مؤمنان مردانی هستند که بر عهده

که با خدا بسته اند، صادقانه ایستاده اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و گروهی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.» در تفسیر قمی ابن ابی الجارود از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که این آیه در باره حمزه و جعفر و علی (علیهم السلام) نازل گردیده است. منظور از «مَنْ قَضَى نَجْبَهُ» حمزه و جعفر و منظور از «مَنْ يَنْتَظِرُ» علی بن ابی طالب است. [۱۶]. ابن حجر مکی نقل می کند امیرمؤمنان (علیه السلام) در کوفه بر فراز منبر بود که از ایشان درباره این آیه پرسیدند. حضرت فرمود: «اللَّهُمَّ غُفْرًا» این آیه در باره من و عمویم حمزه و پسر عمویم عبیده نازل شده است که عبیده در بدر و حمزه در احد به شهادت رسیدند و اما من منتظر شقی ترین این امتم تا محاسنم را از خون سرم خضاب کند. این پیمانی است که حبیب ابوالقاسم (صلی الله علیه وآله) از آن خبر داده است. [۱۷]. ۳- (أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ). [۱۸]. «آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، همچون مفسدان در زمین قرار دهیم یا پرهیزکاران را همچون کافران؟!» در تفسیر فرات کوفی از ابن عباس نقل می کند که این آیه در باره سه تن از مؤمنان متقی که عمل صالح انجام داده بودند؛ علی بن ابی طالب و حمزه و عبیده و سه نفر مشرک مفسد؛ عتبه و شیبه و ولید بن عتبه نازل گردیده است. ابن عباس اضافه می کند این دو گروه بودند که در جنگ بدر با هم به مبارزه برخاستند؛ علی (علیه السلام) ولید را کشت، حمزه عتبه را و عبیده شیبه را. [۱۹]. ۴- (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) [۲۰]. «ای کسانی که ایمان آورده اید، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.» مرحوم طبرسی در باره مصداق «صادقین» که در پایان آیه شریفه آمده است، چند احتمال ذکر نموده و می گوید: و گفته شده است که منظور از صادقین در این آیه همان افرادی است که خداوند در آیه دیگر از آنها یاد کرده و فرموده است: (رِجَالٌ صِدْقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَجْبَهُ... یعنی حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب و «وَمِنْهُمْ مَنِ يَنْتَظِرُ» یعنی علی بن ابی طالب (علیه السلام). [۲۱]. ۵- (وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا). [۲۲]. «و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند (در روز رستاخیز) همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان، و آنها رفیق هایی خوبی هستند.» شیخ طوسی از انس بن مالک نقل می کند که روزی با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نماز صبح را بجای آوردیم، آن حضرت پس از نماز رو به ما نشست، من عرض کردم: ای فرستاده خدا، اگر صلاح بدانید تفسیر این آیه (وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ...) را بیان کنید. پیامبر فرمود: مصداق «نَبِيِّينَ» من هستم و مصداق «صِدِّيقِينَ» برادر من علی است و مصداق «شهداء» عمویم حمزه و اما مصداق «صالحان» دخترم فاطمه و دو فرزندش حسن و حسین می باشند. [۲۳]. ۶- (مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ - وَمَنْ جَاهِدْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ...). [۲۴]. «کسانی که امید به دیدار و لقای پروردگار و رستاخیز دارند، (در اطاعت او می کوشند) زیرا سر آمدی که خدا تعیین کرده، فرا می رسد. و کسی که (در راه خدا) جهاد و تلاش می کند برای خود جهاد می کند.» حسین بن سعید از ابن عباس نقل می کند که این آیه در باره بنی هاشم نازل گردیده که از آنها است حمزه بن عبدالمطلب و عبیده بن حارث. ابن عباس می افزاید: درباره آنها این آیه نیز نازل گردیده است؛ (وَمَنْ جَاهِدْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ...) [۲۵].

حضرت حمزه در گفتار ائمه

اشاره

اینک به نقل و بیان گفتار ائمه هدی (علیهم السلام) در این زمینه می پردازیم و سخن آن بزرگواران را که همانند حدیث پیامبر (صلی الله علیه وآله) در بیان شخصیت حضرت حمزه به عنوان یکی از افتخارات از خاندان نبوت و در کنار شخصیت وجود

مقدس رسول الله و امیرمؤمنان و حسنین و حضرت مهدی (علیهم السلام) عنوان گردیده است، در اختیار خواننده ارجمند قرار می‌دهیم:

حضرت حمزه در گفتار و احتجاج امیرمؤمنان

اشاره

حمیری [۳۷] در قرب الإسناد آورده است که امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: «مَنْ سَبَعُهُ خَلَقَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَخْلُقْ فِي الْأَرْضِ مِثْلَهُمْ؛ مَنْ رَسُوهُ اللَّهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سَيِّدُ الْأَوْلِيْنَ وَ الْآخِرِينَ، خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ وَصِيَّهُ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ وَ سَبْطَاهُ خَيْرُ الْأَسْبَاطِ؛ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا وَ سَيِّدُ الشَّهَدَاءِ حَمْزَةُ عَمَّهُ وَ مَنْ قَدَّكَانَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ جَعْفَرُ وَ الْقَائِمُ عَجَّ». [۳۸]. «خداوند در میان خاندان ما هفت نفر خلق کرد که در روی زمین مانند آنها را نیافریده است. آنگاه در معرفی این هفت تن چنین فرمود: از ما است رسول خدا که سید اولین و آخرین و خاتم پیامبران است. و از ما است وصی او که بهترین اوصیا است و دو سبطش حسن و حسین که بهترین اسباطند و عمویش سید الشهداء و جعفر که به همراه فرشتگان پرواز می‌کند و قائم عَجَّ.»

حضرت حمزه در احتجاج امیرمؤمنان در شورای شش نفری

عمر بن خطاب هنگام مرگش خلافت را به شورای شش نفری، متشکل از امیرمؤمنان، عثمان بن عفان، طلحه، زبیر، عبدالرحمان عوف و سعد بن ابی وقاص محول نمود و دستور داد پس از مرگ وی این شش نفر در خانه ای برای تعیین خلیفه جمع شوند و با وی بیعت کنند، به طوری که اگر چهار نفر با یکی از آنان بیعت کرد و تنها یک نفر امتناع ورزید، گردن او را بزنند و اگر دو نفر امتناع کرد گردن آن دو نفر را بزنند و زمینه را طوری فراهم نمود که با عثمان بن عفان بیعت نمودند. در این جلسه امیرمؤمنان سخنانی ایراد کرد و خصوصیات خانواده اش را برای اتمام حجت برشمرد تا اینکه فرمود: «شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا در میان شما بجز من کسی هست که عمویش سید الشهداء باشد؟ گفتند: نه. (نشدتکم بالله هل فیکم أحدٌ عمُّه سید الشهداء غیری؟! قالوا: لا). [۳۹].

حضرت حمزه در احتجاج امیرمؤمنان در بصره

مرحوم کلینی [۴۰] از اصیغ بن نباته نقل می‌کند: روزی که در بصره امیرمؤمنان (علیه السلام) بر لشکر طلحه و زبیر پیروز گردید، در حالی که به شتر مخصوص رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سوار بود در معرفی خود و خاندانش خطاب به مردم چنین فرمود: «آیا می‌خواهید بهترین خلق در قیامت را برای شما معرفی کنم؟ ابویوب انصاری گفت: آری، ای امیر مؤمنان معرفی کن، زیرا تو همیشه شاهد و حاضر بودی و ما غایب. امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: بهترین مردم در روز قیامت هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب خواهند بود که انکار نمی‌کند فضیلت آنها را مگر کافر. در اینجا عمار عرض کرد: ای امیرمؤمنان، آنها را بنام معرفی کن، فرمود: روزی که خدا مردم را در یک وادی جمع می‌کند، بهترین آنها پیامبرانند و افضل پیامبران محمد (صلی الله علیه و آله) است و بهترین هر امت پس از پیامبرشان وصی آن پیامبر است تا پیامبر دیگری مبعوث شود، پس بهترین همه اوصیا وصی محمد است (علیه و آله السلام). آنگاه فرمود: آگاه باشید که افضل خلق بعد از اوصیا، شهدا هستند و افضل همه شهدا حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب است که دارای دو بال رنگین است. و این دو بال از این امت به کسی جز وی داده نشد و خداوند به وسیله او بهمحمد کرامت و شرافت بخشید و دیگر دو سبط پیامبر حسن و حسین و دیگری مهدی است که او را از خاندان ما انتخاب می‌کند. آنگاه

این آیه را خواند: (وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا - ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا). [۴۱]. امیر مؤمنان (علیه السلام) در این بیان، حضرت حمزه را در فضیلت و منزلت در روز قیامت در ردیف پیامبر و امیر مؤمنان و حسنین و حضرت مهدی (عج) قرار داده و با خواندن آیه شریفه «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ...» او را از مصادیق شهدایی که قرآن مجید از آنان یاد نموده، معرفی کرده است. [۴۲].

حضرت حمزه در احتجاج امیر مؤمنان با معاویه

امیر مؤمنان (علیه السلام) در پاسخ نامه ای که معاویه به آن حضرت نوشته بود، در معرفی خاندان خود و بیان نقاط ضعف خاندان معاویه، به نکاتی اشاره می کند و حضرت حمزه را همانند حسنین، «سیدی شباب أهل الجنة»، از امتیازات این خاندان می شمارد و می فرماید: «ألا- تَرَى غَيْرَ مُخْبِرٍ لَكَ، وَلَكِنْ بِنِعْمَةِ اللَّهِ أُخِدْتُ أَنْ قَوْمًا اسْتَشْهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، وَلِكُلِّ فَضْلٍ، حَتَّى إِذَا اسْتَشْهَدَ شَهِدْنَا قِيلَ: سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ، وَحَصَّهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بِسَبْعِينَ تَكْبِيرَةً عِنْدَ صِلَاتِهِ عَلَيْهِ... وَأَنْتَى يَكُونُ ذَلِكَ وَمِنَّا النَّبِيُّ وَمِنْكُمْ الْمَكْدُبُ، وَمِنَّا أَسَدُ اللَّهِ وَمِنْكُمْ أَسَدُ الْإِخْلَافِ، وَمِنَّا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَمِنْكُمْ صَبِيَةُ النَّارِ وَمِنَّا خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَمِنْكُمْ حَمَالَةُ الْحَطَبِ...» [۴۳]. «مگر نمی بینی - نه اینکه بخواهم خبرت دهم بلکه به عنوان شکر و سپاسگزاری نعمت خداوند می گویم - جمعیتی از مهاجران و انصار در راه خدا شربت شهادت نوشیدند و همه آنان مشمول فضل خداوند می باشند، اما هنگامی که شهید ما (حمزه) شربت شهادت نوشید به او گفته شد «سیدالشهدا» و رسول الله هنگام نماز بر وی (بجای پنج تکبیر) هفتاد تکبیر گفت... چگونه این دو خاندان با هم برابر است در حالی که پیامبر (محمد) از ما است و تکذیب کننده او (ابوجهل) از شما. اسدالله (حمزه) از ما است و اسدالأخلاف؛ یعنی ابوسفیان سرکرده و سامان دهنده احزاب برای جنگ با پیامبر از شما. دو سید و آقای جوانان بهشت (حسن و حسین) از مایند و کودکان آتش (فرزندان مروان یا عقبه بن ابی معیط) از شما. بهترین زنان جهان (فاطمه) از ما است و حماله الحطب (همسر ابولهب) از شما...»

حضرت حمزه در احتجاج امیر مؤمنان با دانشمند یهودی

در روایت مشروحو که حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) از پدران خود از حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) نقل کرده، چنین آمده است: یکی از دانشمندان یهود، پس از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در مدینه در جلسه ای که گروهی از صحابه؛ از جمله امیر مؤمنان (علیه السلام) حضور داشتند، شرکت نمود و در تفضیل حضرت ابراهیم (علیه السلام) و بعضی انبیای گذشته بر پیامبر اسلام، به صورت مناظره دلایلی ذکر کرد و امیر مؤمنان (علیه السلام) به یکایک دلایل او پاسخ گفت؛ از جمله مسائلی که آن دانشمند مطرح نمود این بود که: «فَأَنَّ هَذَا اِبْرَاهِيمَ قَدْ أَضْجَعُ وَلَمَدَهُ وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ...» «این ابراهیم بود که فرزند خود اسماعیل را برای اجرای امر خداوند بر زمین انداخت و صورت دلبدش را به روی خاک گذاشت و آماده ذبح او گردید، ولی در پیامبر شما چنین حرکتی وجود نداشته است.» امیر مؤمنان (علیه السلام) در پاسخ وی فرموده: «لَقَدْ كَانَ كَذَلِكَ وَ لَقَدْ أُعْطِيَ اِبْرَاهِيمَ بَعْدَ الْأَضْجَاعِ الْفِدَاءَ وَ مُحَمَّدٌ اصِيبَ بِأَفْجَعِ مَنْهُ فَجِيعَةٌ أَنَّهُ وَقَفَ عَلَى عَمَّةٍ حَمْرَةَ اسدالله و اسدالرسول و ناصر دینه و قد فُزِقَ بَيْنَ رُوحِهِ وَ جَسَدِهِ فَلَمْ يَبْتِنِ عَلَيْهِ حَرْقَةً وَ لَمْ يَفْضِ عَلَيْهِ عِبْرَةً وَ لَمْ يَنْظُرْ إِلَى مَوْضِعِهِ مِنْ قَلْبِهِ وَ قُلُوبِ أَهْلِ بَيْتِهِ لِيَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَعْدَهُ وَ يَسْتَلِمَ لِأَمْرِهِ فِي جَمِيعِ الْفِعَالِ وَ قَالَ: لَوْلَا أَنْ تَحْزَنَ صَفِيَّةٌ لَتَرَكْتَهُ حَتَّى يَحْشُرَ مِنْ بَطُونِ السَّبَاعِ وَ حَوَاصِلِ الطَّيْرِ لَوْلَا أَنْ يَكُونَ سَنَةً بَعْدَى لَفَعَلْتَ ذَلِكَ.» «این مطلب را که در باره حضرت ابراهیم گفتم صحیح است، ولی خداوند برای جبران این ناراحتی، بلافاصله فدیهِ و عوض (گوسفند بهشتی) را بر وی فرو فرستاد. اما محمد (صلی الله علیه وآله) بر مصیبتی بالاتر از آن مبتلا گردید؛ زیرا در کنار جسد بی روح و مثله شده عمویش و ناصر و یاور دینش، حمزه اسدالله و اسدالرسول قرار گرفت ولی برای جلب رضای خداوند و تسلیم امر او صبر و

شکیبایی را در پیش گرفت، نه اظهار ناراحتی کرد و نه اشکی جاری ساخت و نه به جایگاه و محبوبیت حمزه که در دل پیامبر و خاندانش از آن برخوردار بود، توجه نمود و چنین فرمود: اگر نبود حزن و اندوه صفیه و اینکه پس از من مردم از این روش پیروی کنند، پیکر حمزه را دفن نمی کردم تا از شکم درندگان و پرندگان محشور شود. [۴۴].

حضرت حمزه در احتجاج امام حسن مجتبی

شیخ طوسی (رحمه الله) از امام صادق از پدر ارجمندش امام باقر و او از امام سجّاد (علیهما السلام) نقل می کند که: امام حسن مجتبی (علیه السلام) در یک محاجّه و مناظره با معاویه چنین فرمود: «... قال الحسن بن علی فیما احتج علی معاویه: و کان ممّن استجاب الرسول الله (صلی الله علیه وآله) عمّه حمزه و ابن عمّه جعفر فقتلا شهیدین رضی الله عنهما فی قتلی کثیره معهما من اصحاب رسول الله (صلی الله علیه وآله) فجعل الله تعالی حمزه سید الشهداء من بینهم و جعل لجعفر جناحین یطیر بهما مع الملائکه کیف یشاء من بینهم و ذلك لمکانهما من رسول الله (صلی الله علیه وآله) و منزلتهما و قرابتهما عند رسول الله و صلی علی حمزه سبعین صلاه من بین الشهداء الذین استشهدوا معه». «و از کسانی که دعوت رسول خدا را اجابت کردند، عمویش حمزه و پسر عمویش جعفر بود که هر دو به همراه گروهی از اصحاب پیامبر شربت شهادت نوشیدند اما خداوند از میان همه آنان حمزه را به عنوان «سیدالشهدا» معرفی کرد و برای جعفر دو بال عنایت فرمود که آزادانه در میان فرشتگان پرواز می کند و این دو امتیاز برای این دو شهید به جهت موقعیت «معنوی» و قرابت آنها نسبت به رسول خدا بود و باز رسول خدا از میان همه شهدا که با حمزه به شهادت رسیده بودند، تنها بر پیکر او هفتاد بار نماز خواند.» [۴۵].

حضرت حمزه در احتجاج حسین بن علی

حسین بن علی (علیهما السلام) در صبح عاشورا، پس از تنظیم صفوف لشکر خویش، بر اسب سوار شد و در برابر دشمن قرار گرفت و با صدای بلند و رسا، خطاب به افراد لشکر عمر سعد، سخنان مفصّلی ایراد کرد و با آنان اتمام حجّت نمود و در ضمن این بیانات، چنین گفت: «أیها الناس أنسبونی من أنا ثم ارجعوا إلى انفسکم و عاتبوها و انظروا هل یحلّ لکم قتلی و انتهاک حرمتی؟! أَلَسْتُ ابن بنت نبیکم و ابن وصیّه و ابن عمّه و أوّل المؤمنین بالله و المصدّق لرسوله بما جاء من عند ربّه؟ أَوَلَيْسَ حمزه سید الشهداء عمّ أبی أَوَلَيْسَ جعفر الطیّار عمّی أَوَلَمْ یبلغکم قول رسول الله لی و لاخی هذان شباب اهل الجنّه...». [۴۶]. «مردم! بگوئید من چه کسی هستم، سپس به خود آید و خویشتن را ملامت کنید و ببینید آیا قتل من و شکستن حرمتم برای شما جایز است؟ آیا من فرزند دختر پیامبر شما نیستم؟ آیا من فرزند وصی و پسر عموی پیامبر شما نیستم؟ مگر من فرزند کسی نیستم که پیش از همه به خدا ایمان آورد و پیش از همه رسالت پیامبر را تصدیق کرد؟ آنگاه فرمود: آیا حمزه سید الشهداء عموی پدر من نیست؟ آیا جعفر طیار عموی من نیست؟ آیا شما سخن پیامبر را در حق من و برادرم نشنیده اید که فرمود: این دو، سروران جوانان بهشت هستند؟...»

حضرت حمزه در گفتار و احتجاج علی بن الحسین

اشاره

صدوق (رحمه الله) از ثابت بن ابی صفیه نقل می کند: «نظر علی بن الحسین سیّد العابدین (علیهما السلام) الی عبیدالله بن عبّاس بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) فاستعبر ثم قال: ما منّ یوم أشدّ علی رسول الله منّ یوم أُحد قُتلَ فیهِ عمّه حمزه بن عبدالمطلب اسدالله و اسد رسوله و بعده یوم موته قتل فیهِ ابن عمّه جعفر بن ابی طالب، ثم قال و لا یوم لیوم الحسین (علیه السلام) اذ دلف الیه ثلثون ألف

رجل یزعمون أنهم من هذه الأمة كلُّ يتقرَّب إلى الله عزَّ و جلَّ بدمه...» (روزی علی بن الحسین (علیهما السلام) عیدالله فرزند عباس بن علی را دید و اشک در چشم آن بزرگوار حلقه زد، آنگاه فرمود: برای پیامبر روزی سخت تر از جنگ احد پیش نیامد؛ زیرا در آن روز بود که عمویش حمزه بن عبدالمطلب، اسدالله و اسدالرسول شربت شهادت نوشید و پس از احد سخت ترین روز برای آن حضرت جنگ موته بود که پسر عمویش جعفر بن ابی طالب را شهید کردند. و سخت تر از روز حسین (علیه السلام) پیش نیامده؛ زیرا سی هزار نفر آن بزرگوار را احاطه کرده بودند که همه آنها خود را جزو امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تصور می کردند و همه آنها با ریختن خون فرزند همان پیامبر به پیشگاه خدا تفرَّب می جستند...» [۴۷].

تعصبی که پاداش آن بهشت است

کلینی (رحمه الله) از حسیب بن ثابت نقل می کند که امام سجاد (علیه السلام) فرمود: «لم یدخل الجنَّة حمیَّة غیر حمیَّة حمزه بن عبدالمطلب و ذلك حین اسلم غضباً للنَّبِی فی حدیث السلا الذی ألقى علی النبی (صلی الله علیه و آله)». [۴۸]. «هیچ تعصبی صاحب خود را داخل بهشت نکرد، جز تعصب حمزه بن عبدالمطلب، آنگاه که بچه دان شتری به وسیله مشرکین مکه به سر و صورت پیامبر انداخته شد و حمزه برای دفاع از آن حضرت و دفع شر دشمنان، اسلام را پذیرفت.» مشروح این جریان در بخش آینده، از نظر خوانندگان خواهد گذشت.

حضرت حمزه در محاجه امام سجاد

یکی از خطبه های تاریخی و مهیج و انقلابی که به وسیله امام سجاد (علیه السلام) ایراد گردیده و در منابع تاریخی ثبت شده است، خطبه ای است که آن حضرت پس از حادثه عاشورا و به هنگام اسارت اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شام و در مسجد جامع این شهر ایراد کرد؛ جلسه ای که انبوه شرکت کنندگان در نماز جمعه و از جمله شخص یزید بن معاویه و درباریان وی، در آن شرکت داشتند. در این مقاله، به نقل یک فراز از آن خطبه مهم، که محل شاهد ما است بسنده می کنیم و آن را از مقتل خوارزمی (متوفای ۵۶۸) می آوریم: «وی می نویسد: در این مجلس حدیث، پس از آنکه علی بن الحسین بر عرشه منبر قرار گرفت و حمد و ثنای پروردگار را بجای آورد، چنین فرمود: «أیها الناس أَعْطینا سِتًّا و فضلنا بسیع، اعطینا العلم و الحلم و السماحة و الفصاحة و الشجاعة و المحبة فی قلوب المؤمنین و فضلنا بأنَّ منَّا النَّبِی المختار محمداً (صلی الله علیه و آله) و منَّا الصِّدیق و منَّا الطَّیِّار و منَّا اسدالله و اسدالرسول و منَّا سَیِّدة نساء العالمین فاطمة البتول [۴۹] و منَّا سبطا هذه الأمة و سیدا شباب أهل الجنَّة...» [۵۰].

حضرت حمزه در کلام امام صادق

عیاشی از حسین بن حمزه نقل می کند که گفت: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در کنار جسد مثله شده حضرت حمزه قرار گرفت، چنین گفت: «اللَّهُمَّ لَكَ الحمد و الیک المشتکی و أنت المستعان علی ما أری». سپس فرمود: اگر من هم پیروز شوم از مشرکان چند برابر مثله خواهم کرد! در اینجا بود که این آیه شریفه نازل شد: (وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ). [۵۱]. امام صادق فرمود پیامبر (صلی الله علیه و آله) با نزول این آیه فرمود: «أَصْبِرْ، أَصْبِرْ؛ «من هم صبر خواهم کرد.» [۵۲].

حضرت حمزه در احتجاج محمد حنفیه

صدوق (رحمه الله) از زرین نقل می کند که از محمد بن حنفیه (رضی الله عنه) شنیدم که چنین می گفت: «فینا ستَّ خصال، لم تکن

فی أحد ممّن كان قبلنا و لا تكون فی أحد بعدنا، مِنّا محمّد سید المرسلین و علیّ سید الوصیین و حمزه سید الشهداء و الحسن و الحسین سیدا شباب أهل الجنّة و جعفر بن أبی طالب المزین بالجناحین یطیر بهما فی الجنّة حیث یشاء و مهدیّ هذه الأُمَّة الّذی یصلیّ خَلْفَه عیسی بن مریم». [۵۳].

حضرت حمزه در احتجاج شیخ مفید

شیخ مفید (رحمه الله) می گوید: گروهی از جوانان شیعه برای تعلّم و فراگیری مطالب کلامی، در پای درس من حاضر می شدند، روزی یکی از آنها گفت: حضرت استاد! روز گذشته در جلسه ای بودم که طبرانی، دانشمند زیدی مذهب نیز حضور داشت. او در چند مطلب بر ما شیعه اشکال و اعتراض کرد که من پاسخ قانع کننده ای نداشتم؛ از جمله اشکالات وی این بود که: شما شیعیان به بعضی از عقاید و اعمالی که سنّی های حنبلی مذهب دارند انتقاد و اعتراض می کنید، در حالی که در موارد متعدد با آنان هم عقیده بوده و مانند آنان عمل می کنید. و چند مورد را اینگونه برشمرد: زیارت قبور اولیا، عبادت کردن در نزد آن قبور و... شیخ مفید می فرماید: به آن شاگرد گفتم: نزد طبرانی برو و پاسخ پرسش های او را همانگونه که من توضیح می دهم با او درمیان بگذار. شیخ مفید به یکایک پرسش های طبرانی پاسخ مشروح داد تا به پرسش در باره زیارت قبور اولیا رسید و گفت: به طبرانی بگو که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حال حیات خویش، هم به مسلمانان دستور داد که قبر حضرت حمزه را زیارت کنند و هم خود به زیارت قبر عمویش و سایر شهدا می پرداخت و همچنین دخترش فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز مکرر به زیارت قبر عمویش حمزه می رفتند. پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و طبق روش آن حضرت مسلمانان هم به زیارت قبر او می رفتند و در کنار این قبر به زیارت و عبادت می پرداختند. بنابراین اگر عمل شیعه در باره زیارت مشاهد ائمه و پیشوایان، دور از عقل و عملی حنبلی! باشد پس این، اسلام و رسول خدا است که راه خلاف عقل را پیش پای مسلمانان قرار داده و آنان را بکار ناروایی واداشته است. مسلم است که چنین گفتاری ناشی از ضعف ایمان و عدم بصیرت در دین است. [۵۴]. این بود، از گفتار معصومان و بزرگان دین درباره عظمت و شخصیت حضرت حمزه که ما به دست آوردیم.

حضرت حمزه در حدیث رسول خدا

اشاره

اینک به بیان بخشی از فضایل حضرت حمزه می پردازیم که از زبان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده و به دست ما رسیده است، و با بخشی دیگر، در صفحات آینده و به مناسبت های مختلف آشنا خواهیم شد.

حمزه، سید همه شهدا، جز انبیا و اوصیا است

شیخ المحدثین صدوق (رحمه الله) در ضمن حدیث مفصّلی، با اسناد به حضرت سلمان، نقل می کند: «در ایام مریضی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که به ارتحال آن بزرگوار منتهی گردید، در کنار بستر آن حضرت بودم که فاطمه زهرا (علیها السلام) وارد شد، وقتی ضعف شدید را در پدر بزرگوارش دید، اشک به صورتش جاری گردید. رسول خدا برای تسلی و آرامش دخترش، از عنایات و برکات خداوند بر اهل بیت سخن گفت و بخشی از نعمت های خدا را، که بر این خاندان ارزانی داشته است، بر شمرد تا بدینجا رسید که: ... دخترم! ما اهل بیتی هستیم که خداوند شش صفت و ویژگی را بر ما عطا کرده است که بر هیچیک از گذشتگان و آیندگان عطا ننموده است؛ زیرا پیامبر ما سید انبیا و مرسلین است و آن پدر تو است و وصی ما سید اوصیا است و آن

همسر تو است و شهید ما سیدالشهدا است و آن حمزه بن عبدالمطلب عموی پدر تو است. فاطمه (علیها السلام) گفت: ای فرستاده خدا، آیا او فقط سید شهیدانی است که با وی به شهادت رسیده اند؟ پیامبر فرمود: نه، بلکه او سید شهدای اولین و آخرین، بجز انبیا و اوصیا است. [۲۶]. با توجه به مضمون این حدیث، معلوم می شود که هم حضرت حمزه و هم حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) برای همیشه، از افتخار «سید الشهداء» بودن برخوردارند. و این لقب برای همیشه به آن دو بزرگوار اطلاق می گردد؛ با این تفاوت که حسین بن علی حتی نسبت به حضرت حمزه هم سید و سرور است ولی حضرت حمزه سید است نسبت به سایر شهدا.

حضرت حمزه از سروران اهل بهشت است

شیخ صدوق همچنین از انس بن مالک نقل می کند که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ما فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشتیم. رسول الله، حمزه سید الشهداء، جعفر ذوالجناحین، علی، فاطمه، حسن، حسین و مهدی (علیهم السلام). [۲۷].

حضرت حمزه، محبوب ترین عموی رسول خدا

صدوق (رحمه الله) از امام صادق (علیه السلام) و آن بزرگوار از جدش رسول خدا نقل می کند که فرمود: «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَحَبُّ أَعْمَامِي إِلَيَّ حَمْزَةُ». [۲۸]. «محبوب ترین برادرانم علی بن ابی طالب و محبوب ترین عموهایم حمزه است.»

حمزه محبوب ترین نام ها در نزد رسول خدا

کلینی (رحمه الله) از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وُلِدْتُ لِي غُلَامٌ فَمَاذَا أَسْمِيهِ؟ قَالَ: سَمِّهِ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيَّ؛ حَمْزَةُ». [۲۹]. «شخصی محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد: ای فرستاده خدا، فرزند ذکوری برایم متولد شده است، چه نامی بر وی نهم؟ فرمود: او را «حمزه» نام بگذار که محبوب ترین نام ها در نزد من است.»

حمزه یکی از چهار راکب در قیامت

مرحوم صدوق (رحمه الله) در ضمن حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنین نقل می کند: «و ما فی القيامة راکبٌ غیرنا وَ نَحْنُ أَرْبَعَةٌ فَقَامَ إِلَيْهِ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِالمطلب، فَقَالَ: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: أَمَّا أَنَا فَعَلَى الْبَرَقِ... وَ عَمِّي حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِالمطلب اسدالله و اسد رسوله سید الشهداء علی ناقتی الغضباء... و أخی علی، علی ناقه من نوق الجنة». [۳۰]. «در قیامت همه پیاده هستند بجز ما چهار تن. عباس بن عبدالمطلب عرض کرد: ای رسول خدا، آن چهار تن کدامند؟ فرمود: اما من سوار بر براق خواهم بود... و عمویم حمزه بن عبدالمطلب اسدالله و اسد رسول و سید شهدا بر شتر غضبای من سوار خواهد شد. و برادرم علی بر شتری از شتران بهشتی.»

حضرت حمزه انجام دهنده نیکی ها و بجا آورنده صله رحم

ابن حجر عسقلانی نقل می کند که: رسول خدا چون در کنار جسد مثله شده عمویش حمزه نشست، خطاب به وی چنین فرمود: «رَحِمَكَ اللَّهُ أَيَّ عَمٍّ، لَقَدْ كُنْتَ وَصُولًا لِلرَّحِمِ فَعُولًا لِلْخَيْرَاتِ». [۳۱]. «ای عمو! خدای رحمت کند تو را، که در صله رحم و انجام دادن کارهای نیک فعال و کوشا بودی.» و این توصیف از زبان رسول خدا و معرفی حضرت حمزه به عنوان «وَصُولِ رَحِمٍ» و «فَعُولِ خَيْرَاتٍ» امتیازی است که اختصاص به آن حضرت دارد.

حضرت حمزه شفیع در روز قیامت

در حدیث مفصّلی که امیر مؤمنان (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل نموده، آن حضرت، درباره حضرت حمزه می فرماید: «اما انّ حمزۀ عمی ینحی جهنّم من مَحَبَّتِهِ». [۳۲]. «همانا در قیامت عمویم حمزه جهنم را از دستدارانش دور خواهد کرد.»

در پایه عرش نوشته شده است: حمزه اسدالله و...

در بصائرالدرجات در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده که آن حضرت در باره تعداد انبیا و تعداد اولوالعزم از آنان و اینکه هر پیامبری دارای وصی بوده، سخن گفته و آنگاه به خصوصیات خود و خاندانش اشاره می کند و در ضمن آن می فرماید: «وَعَلَى قَائِمَةِ الْعَرْشِ مَكْتُوبٌ: حمزۀ اسدالله و اسد رسوله و سیّد الشهداء». [۳۳].

حضرت حمزه در دعای رسول خدا

ابن ابی الحدید نقل می کند [۳۴] که در جنگ خندق چون امیرمؤمنان (علیه السلام) با عمرو بن عبدودّ مواجه شدند و مبارزه آنان آغاز گردید، پیامبر (صلی الله علیه و آله) رو به آسمان کرد و دستانش را بالا گرفت و این دعا را مکرر خواند: «اللّٰهُمَّ اِنِّكَ اَخَذْتَ مِنِّي عُيْبَةً يَوْمَ يَدْرُ وَ حَمَزَةٌ يَوْمَ اُخِيْدُ فَاخْفِظْ عَلَيَّ الْيَوْمَ عَلَيًّا (... رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ)». [۳۵]. «خدایا! پسر عمویم عیبده را در جنگ بدر و عمویم حمزه را در جنگ احد از من گرفتی پس امروز علی را برایم نگهدار! خدایا! مرا تنها نگذار، و اَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ».

حضرت حمزه افضل شهدا است

شیخ مفید از ابو ایوب انصاری نقل می کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خطاب به حضرت فاطمه (علیها السلام) چنین فرمود: «شهیّدنا افضل الشهداء و هو عمّک و مِنَّا مَنْ جَعَلَ اللهُ لَهُ جِنَاحِيْنَ يَطِيْرُ بِهَمَّا مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَ هُوَ ابْنُ عَمِّكَ». [۳۶]. «شهیّد ما افضل شهدا است و آن عموی تو و از خاندان ما است؛ کسی که خداوند بر وی دو بال عنایت فرموده که در میان فرشتگان پرواز می کند و آن پسر عموی تو است.»

پاورقی

[۱] عبدالمطلب ملقب به شیبیه الحمد، مردی عظیم و رفیع متصف به اوصاف حمیده و افعال پسندیده نصیح و ینع بود قوم قریش او را قبول و با وجودش مباحات نمودند او کلیدداری خانه کعبه و پرده داری کعبه را هر دو که بزرگترین سمت در اسلام و قبل از اسلام به شمار می آورند بوده داشته، پاسخ صریح عبدالمطلب به فرمانده لشکر ابرهه به هنگام تهاجم به مکه و نذر او در قربانی کردن یکی از فرزندانش همانند حضرت ابراهیم و کشف چاه زمزم و... بیانگر عظمت روح و ارتباط وی با عالم معنویات در سطحی فوق العاده و خارج از متعارف است.

[۲] زیدبن حارثه از نزدیکترین و صمیمی ترین اصحاب پیامبر است که او را به پسر خواندگی خویش پذیرفت و در جنگ موته فرماندهی لشکر را به او محول نمود و او در بین جنگ به شهادت رسید.

[۳] حشر: ۸.

[۴] بر خلاف طبقات ابن سعد و کامل ابن اثیر و طبری فقط حمزه را به عنوان حواستگار معرفی می کند ولی با توجه به اینکه همه

مورخان نوشته اند که خطبه عقد به وسیله ابوطالب ایراد گردیده و متن خطبه نیز در منابع منعکس شده است. معلوم می گردد او نیز به همراه حمزه در امر ازدواج پیامبر دخیل بوده است.

[۵] «و آنان که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی اند، برای آنها آمرزش «رحمت خدا» و روزی شایسته ای است.» انفال: ۷۴.

[۶] «کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند با کسانی که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند، یکسان نیستند، آنها بلند مقام تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند.» حدید: ۱۰.

[۷] حج: ۱۹.

[۸] ج ۴، تفسیر سوره حج.

[۹] به تفسیر الدر المنثور و المیزان، تفسیر سوره حج مراجعه شود.]

[۱۰] به تفسیر الدر المنثور و المیزان، تفسیر سوره حج مراجعه شود.

[۱۱] به تفسیر الدر المنثور و المیزان، تفسیر سوره حج مراجعه شود.

[۱۲] به تفسیر الدر المنثور و المیزان، تفسیر سوره حج مراجعه شود.

[۱۳] عبیده بن حرث بن عبدالمطلب، پسر عموی رسول خدا است. او از شجاعان عرب و از مدافعان اسلام بود که در جنگ بدر به شهادت رسید.

[۱۴] تفسیر فرات کوفی، ص ۲۷۱.

[۱۵] احزاب: ۲۳.

[۱۶] تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۸۸.

[۱۷] صوائق محرقة، ص ۸۰.

[۱۸] ص: ۲۸.

[۱۹] تفسیر فرات کوفی، ص ۳۵۹، چاپ سال ۱۴۱۰ هـ تهران.

[۲۰] توبه: ۱۱۹.

[۲۱] مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۱ چاپ صیدا.

[۲۲] نساء: ۶۹.

[۲۳] کنز الفوائد، به نقل بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۱.

[۲۴] عنکبوت: ۵ و ۶.

[۲۵] تفسیر فرات کوفی.

[۲۶] «قالت یا رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - هو سید الشهداء الذین قُتِلوا معه؟ قال بل سید الشهداء الأولین و الآخرین، ما خلا- الأنبیاء و الأوصیاء». مشروح و متن این حدیث را در اکمال الدین، ج ۱، صص ۲۶۴-۲۶۳، چاپ دارالکتب الاسلامیه ملاحظه کنید.

[۲۷] «نحن بنو عبدالمطلب ساده اهل الجنة، رسول الله و حمزه سیدالشهداء...». امالی صدوق، مجلس هفتاد و دوم.

[۲۸] امالی صدوق، مجلس هشتاد و دوم، عمده ابن عقده ۲۸۱.

[۲۹] کافی کتاب العقیقه باب الأسماء و الکنی.

[۳۰] خصال باب الأربعه.

- [۳۱] اصابه، ج ۱، ص ۳۵۴.
- [۳۲] تفسیر امام حسن عسکری، ص ۱۷۶، چاپ ۱۳۱۴.
- [۳۳] بصائر الدرجات، ص ۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۷.
- [۳۴] شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۶۱.
- [۳۵] انبیاء: ۴۹.
- [۳۶] امالی شیخ، به نقل از بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۷۳.
- [۳۷] وی از اصحاب امام حسن عسکری است. و کتابش، قرب الاسناد، از منابع حدیثی شیعه می باشد.
- [۳۸] قرب الإسناد، چاپ کوشانفر، ص ۳۹.
- [۳۹] مشروح این سخنرانی در احتجاج طبرسی، ج ۱، صص ۱۸۸-۲۱۰ آمده است.
- [۴۰] کافی، ج ۱، ص ۴۵۰.
- [۴۱] نساء: ۷۰-۶۹.
- [۴۲] عن الأصمغ بن نباته قال رأیت امیر المؤمنین یوم افتتح البصره و ركب بَعْلَه رسول الله (ثم) قال آیتها الناس ألا أخبرکم بخیر الخلق یوم یجمعهم الله؟ فقام الیه ابو ایوب الأنصاری فقال یا امیر المؤمنین، حدّثنا فأنک کنت تشهد و نغیب فقال انّ خیر الخلق یوم یجمعهم الله، سبعة من وُلد عبدالمطلب لا ینکر فضلهم إلا کافر و لا یجحد به إلا جاحد، فقام عمّار بن یاسر - رحمه الله علیه - فقال یا امیر المؤمنین، سیئتم لنا لتعرفهم، فقال: انّ خیر الخلق یوم یجمعهم الله الرسل وانّ أفضل الرسل محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - و انّ افضل کلّ أحد بعد نبیها وصیّ نبیها حتی یدرکه نبیّ آلا و انّ افضل الأوصیاء وصیّ محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - آلا و انّ أفضل الخلق بعد الأوصیاء الشهداء، آلا و انّ أفضل الشهداء حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب له جناحان خضیبان یطیر بهما فی الجنّه لم ینحل أحد من هذه الأئمّه جناحان غیره شیء، کرم الله به محمداً و شرفه و السبطان الحسن و الحسین و المهدی یجعله الله من شاء منّا أهل البيت ثم تلا هذه الآیه (وَمَنْ يُطِغِ الله وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصّٰدِیْقِیْنَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصّٰلِحِیْنَ وَ حَسَنٌ أَوْلَیْکَ رَفِیْقًا - ذَلِکَ الْفَضْلُ مِنَ اللهِ وَ کَفَى بِاللّهِ عَلِیْمًا).
- [۴۳] نهج البلاغه، نامه ۲۸.
- [۴۴] مشروح این مناظره در احتجاج طبرسی، ج ۱، صص ۳۳۵-۳۱۸؛ بحار، ج ۱۰ صص ۱۷، ۴۹، ۵۱ و ۲۹۸-۲۷۳.
- [۴۵] مجالس طوسی به نقل بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۸۳.
- [۴۶] این سخنرانی با مختصر اختلاف در متن آن، در تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۲۸؛ کامل ابن اثیر ج ۳، ص ۲۸۷؛ ارشاد مفید، ص ۲۳۴؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳ و طبقات ابن سعد آمده است.
- [۴۷] امالی صدوق، ص ۲۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۷۴ و ج ۴۴، ص ۲۹۸.
- [۴۸] کافی، ج ۲، ص ۳۰۸.
- [۴۹] در کامل بهایی، که نفس المهموم هم از وی نقل کرده است، به جای «حضرت فاطمه» آمده است و «المهدی المذی یقتل الدجال».
- [۵۰] مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۶۹.
- [۵۱] نحل: ۱۲۵.
- [۵۲] تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۷۴.
- [۵۳] خصال، ابواب السنّه.

[۵۴] الفصول المختاره، ج ۱، ص ۸۴ و بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۴۴۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

